



عقل و عقلانیت

نویسنده: یون الستر

برگردان از ترجمه انگلیسی

استیون رندال

مترجمان:

دکتر محسن رفانی - دکتر عباد تیموری

از مجموعه کتابهای پویش فکری توسعه

سر شناسه	Jon Elster، یون الستر :
عنوان و پدیدآور	عقل و عقلانیت / نویسنده: یون الستر - مترجمین: محسن رنانی - عباد تیموری
مشخصات نشر	تهران، نور علم.
مشخصات ظاهری	۱۱۲ ص.
عنوان به انگلیسی	REASON AND RATIONALITY
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۱۶۹-۳۲۵-۰ :
موضوع	عقل گرایی.
موضوع	اثبات گرایی
شناسه افزوده	پویش فکری توسعه.
شناسه افزوده	رنانی، محسن، ۱۳۴۴، مترجم.
شناسه افزوده	تیموری، عباد، ۱۳۶۴، مترجم.
رده بنی کنگره	۱۳۹۸ / ۹۷۷ B ۸۳۳
رده بندی یویی	۱۴۹/۷

نشر نور علم: تهران - خیابان آزادی - خ منیری جاوید (اردیبهشت) - پ ۱۴ - تلفن: ۶۶۴۰۵۸۹۴ و ۶۶۴۰۵۸۸۰
 ۰۹۱۲۳۳۳۴۲۲۹ فروشگاه: دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران nomalm@yahoo.com

- عنوان: عقل و عقلانیت
- نویسنده: یون الستر
- مترجمین: دکتر محسن رنانی - عباد تیموری
- از مجموعه کتابهای پویش فکری توسعه
- ناشر: نور علم
- شمارگان: ۵۰۰ جلد
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۶۹-۳۲۵-۰
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸
- چاپ و صحافی: نصر
- قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این کتاب متعلق به ناشر است. نقل مطالب این کتاب (به هر زبانی) با ذکر مأخذ آزاد است. هرگونه انتشار به صورت کاغذی (چاپ، فتوکپی، تصویر و ...) یا الکترونیکی کتاب به قصد انتفاع، نیازمند دریافت اجازه از ناشر است.

در صورت عدم دسترسی به کتابهای این انتشارات، از طریق تماس با
 کتابها با پست به تمام نقاط ایران ارسال می شود. ۰۹۱۲۳۳۳۴۲۲۹

❖ فهرست مطالب ❖

۱..... پیشگفتار مترجمان

۲۰..... عقل و عقلانیت

۸۶..... آثار ذکرشاه

۹۱..... نقد و بررسی کتاب

www.ketab.ir

* پیشگفتار مترجمان *

توسعه: گذار مستمر از عقل به خردمندی

در هستی پیرامون ما نه سطح سیستم شناسایی شده است که هر چه از سطوح پایین به بالا حرکت می کنیم سیستم پیچیده تر و توانمندتر می شوند (بولدینگ^۱، ۱۹۵۶). سطح اول سیستم های سازه ای ساده هستند؛ یک جبهه قند، یک خسته سنگ، یک میز و سازه های ساختمانی، همگی سیستم سازه ای ساده هستند. این ها از خود هیچ حرکت یا تغییری ندارند. سپس سیستم های ساعت دَوَن یا متحرک ساده را داریم؛ یک ساعت دیواری یا منظومه شمسی نمونه سیستم های ساعت گون هستند. سطح سوم، سیستم های حافظه دار هستند. این سیستم ها به است دارا بودن حافظه، دارای مکانیزم بازخورد و بنابراین امکان خودتنظیمی هستند. یک آبگرمکن ترموستاتی ساده ترین این سیستم هاست. ماشین حساب نیز یک سیستم حافظه دار پیچیده است.

سه سطح اول سیستم ها، غیرزنده هستند و از سطح چهارم به بعد سیستم های زنده آغاز می شوند. سیستم های تک یاخته ای ها (مثل آمیب ها و باکتری ها) ساده ترین سیستم زنده هستند که سطح چهارم سیستم ها را

1. Boulding, Kenneth. (1956), General Systems Theory: The Skeleton of Science, Management Science, Vol. 2, No. 3, pp. 197-286.

تشکیل می دهند. یک سیستم زنده، ویژگی سیستم های غیرزنده (مثل حافظه و خودتنظیم گری) را دارد اما فراتر از آن، ویژگی خود تکثیری (تولید مثل) و خود تکاملی (انطباق با محیط) را نیز دارد. سطح پنجم سیستم ها، سیستم های گیاهی هستند؛ درختان از این نوع هستند. درختان هم زنده هستند و هم خودتکثیر و خودتکامل اند اما تمایز آنها با سیستم های سطح قبلی، تقسیم کار بین سلولی است. یعنی مجموعه ای از سلول های آنها، کارکرد ویژه و متمایز خود را دارند. این سیستم ها اندام های حسی و قابلیت عکس العمل دارند.

سطح ششم، سیستم های حیوانی هستند. حیوانات، همه قابلیت سیستم های قبلی را دارند اما فراتر از آن هوشیار نیز هستند. هوشیاری به معنی آگاه بودن به محیط و داشتن قدرت واکنش نسبت به آن است. این آگاهی ممکن است به صورت غریزی یا حاصل تجربیات زیستی موجود زنده باشد که به صورت ناخودآگاه عمل می کند، مثل ترس گنجشک از کلاغ یا ترس کلاغ از آتش که اولی غریزی و دومی حاصل تجربه است. سیستم های حیوانی به کمک غریزه و تجربه، هدفمند عمل می کنند و بنابراین سیستم های «هدف جو» هستند.

سطح هفتم نیز سیستم‌های انسانی است. تمایز انسان با حیوان در دارا بودن قوه عقل است.^۱ قوه عقل سه توانایی جدید به انسان می‌دهد که از این سه توانایی انبوهی از توانایی‌های دیگر زاده می‌شود، یکی قدرت استنتاج یعنی برقراری رابطه علی - معلولی بین پدیده‌ها، دوم قدرت تخیل و سوم خودآگاهی است. این سه توانایی باعث می‌شود که سیستم‌های انسانی «آرمان‌گرا» باشند. یعنی استدلال، تخیل و خودآگاهی آنها را به سوی انتخاب آرمان‌های بلند مدت برای کل زندگی سوق می‌دهد.

طبقه هشتم، سیستم‌های اجتماعی هستند؛ سیستم‌های اجتماعی علاوه بر همه توانایی‌های سیستم‌های قاعی، خلق ارزش می‌کنند یعنی هنجار آفرین نیز هستند. برای خلق ارزش و هنجار آفرینی، سیستم باید توانایی‌ای به نام «عقلانیت» در خود داشته باشند. بنابراین سیستم‌های اجتماعی، سیستم‌های عقلانی هستند. در واقع عقلانیت فقط در سیستم اجتماعی است که شکل می‌گیرد. یک انسان که به تنهایی در یک جزیره زندگی می‌کند با قوه عقل

۱. ارسطو انسان را حیوان ناطق تعریف کرده است و فیلسوفان پس از او نیز این تعریف را پذیرفته‌اند. نطق در اینجا به مفهوم دارا بودن منطق ذهنی و قدرت استنتاج منطقی است و در واقع در اینجا به معنی عقل است. پس این قوه نطق همان «عقل» است، یعنی انسان حیوان عاقل است و عقل به عنوان توانایی ایجاد ارتباطات علی و معلولی و کشف روابط بین پدیده‌ها تعریف می‌شود.

خود می‌تواند نیازهای خود را مدیریت و تأمین کند و زندگی خود را بسامان کند. اما وقتی زندگی اجتماعی شکل گرفت دیگر عقل که یک توانایی کاملاً شخصی است نمی‌تواند مسایل را حل و فصل کند، بلکه یک قوه محاسبه‌گر دیگر که حاصل تعامل اجتماعی انسان‌هاست شکل می‌گیرد که نام آن را «عقلانیت» نام می‌گذاریم. این قوه عقلانیت است که برای سامان دادن روابط بین افراد، ابزارهایی به نام «ارزش» و «هنجار» می‌سازد و به کار می‌برد. در این اساس است که می‌گوییم عقلانیت یک پدیده اجتماعی و تاریخی است. بی‌گمان عقلانیت متکی به عقل است، اما چیزی کاملاً متمایز از آن است.

اگر یک انسان به تنهایی نیست کند، هنجار یا ارزشی خلق نمی‌شود؛ یعنی تنها در یک سیستم اجتماعی است که ارزش‌ها و هنجارها شکل می‌گیرند و بنابراین تنها در یک سیستم اجتماعی است که «عقلانیت» شکل می‌گیرد. بنابراین نظام اجتماعی یک سیستم زندگی، هوشیار، هنجارمند دارای «عقلانیت» است.

آنچه در معرفی طبقه‌بندی سیستم‌ها مد نظر ماست تمایز بین هوش، عقل و عقلانیت است. یعنی دارا بودن درجه‌ای از هوش به منزله دارا بودن عقل نیست و دارا بودن عقل به معنی دارا بودن «عقلانیت» نیست. هوش و عقل

هر دو نیاز به حافظه دارند. اما عملکرد هوش ناخودآگاه است ولی عقل عملکردی خودآگاه دارد. روباهی که یک بار از طرف انسان مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرد به واسطه هوش ناخودآگاهش، بار دیگر انسان را شناخته و می‌گریزد اما روباه هیچگاه نمی‌تواند دریابد (تحلیل کند) که علت خشونت‌ورزی انسان نسبت به او چیست، چون نمی‌تواند بین رفتارهای انسان نسبت به خودش رابطه برقرار کند.

پس عقل از جای آغاز می‌شود که موجود عاقل می‌تواند بین پدیده‌ها، رفتارها و حوادثی که برآون او در جریان است رابطه برقرار کند و از این روابط استنتاج کند. تا این عاقل، یک قوه است، قوه‌ای که با خلقت انسان به وی داده شده است و در واقع یک نسبت الهی است. اما این امر به منزله آن نیست که این موجود در عمل نیز از آن قوه استفاده می‌کند کما اینکه بسیاری از رفتارهای انسان عاقل، رفتارهایی است که در آنها تحلیل پیشینی از روابط بین پدیده‌ها وجود ندارد و انسان نیز مانند حیوانات رفتار می‌کند. روان‌شناسان رفتار انسان را به سه دسته رفتارهای «عقلانی»، «عادت‌ی - شرطی» و «عاطفی - احساسی» (یا «تکانشی - هیجانی») تقسیم می‌کنند. بنابراین بخش بزرگی از رفتارهای انسان از جنس رفتارهای «عادت‌ی - شرطی» (مثل آب افتادن دهان هنگام دیدن ترشی)، یا رفتارهای

«عاطفی - احساسی» (مثل خنده پس از شنیدن جوک یا گریستن پس از دیدن صحنه تصادف) است.

انسان‌ها خرسندند که عاقل هستند اما خبر ندارند که بخش بزرگی از رفتارهای آنها از جنس رفتارهای هوشیارانه است نه عقلانی. در واقع رفتارهای عادت‌ی - شرطی و یا تکانشی انسان‌ها، عمدتاً از جنس رفتارهای هوشیارانه هستند که به صورت ناخودآگاه بروز پیدا می‌کنند. پس هوش یک قوه طبیعی، با موهبت الهی است که بین انسان و حیوان مشترک است اما عقل یک موهبت الهی یا یک «قوه» طبیعی خلقتی است که ویژه انسان است.

اکنون به شرح تمایز بین عقل و علانیت پردازیم. کوتاه سخن، عقل یک قوه طبیعی است که با خلقت به انسان داده می‌شود، در حالی که عقلانیت یک «مهارت» اکتسابی اجتماعی و تاریخی است. در واقع، انسان‌ها برای آنکه به مرز عقلانیت وارد شوند یعنی «قوه عقل» در آنها تبدیل به «مهارت عقلانیت» شود نیازمند تجربه و آموزش در بستر اجتماع هستند. این آن وظیفه اصلی است که نظام خانواده، نظام آموزش و نظام اجتماعی بر عهده دارند. انسان با تولدش عقل را به هستی می‌آورد اما با زیستن در جامعه است که به «عقلانیت» می‌رسد.